

تعلیم و تربیت

سال اول

مهر ۱۳۰۴

شماره هفتم

تهذیب اصول تعلیم

بقلم آقای مهدیقلیخان هدایت‌حاج مخبرالسلطنه

- ۴ -

مدرسه جدید

به عنوان نیواسکول (مدرسه جدید) دکتر ردی در آبتسهلم
(Abbotsholm) در سنه ۱۸۸۷ مدرسه ایجاد کرد

در نواحی آلمان و سوئیس بهمان نمونه تأسیسات نمودند که در آنها
عمده توجه به تربیت بدنی است

باز خوبی تجاوز که بر مزاج انسان غلبه دارد راه افراط پیمود
و تربیت بدنی بیش از حد ضرورت بل امکان در نظر گرفته شد و تربیت
روحی از حد ضرورت انحطاط یافت

نمونه انگلیسی را در ترویج اسپرت (Sport) طابق النعل بالنعل
تقلید کردند و خوب تقلیدی بود

راست است که در این اسلوب در تربیت بدن نکته قصور نمیشود
اما قوت بدن با ضعف روح باز آن چیزی نیست که مطلوب است
و این عدم تعادل از آنجاست که به اصول تدریس آن توجه که
میبایست نشده است و آن اصلاحات که مقتضی بوده است بعمل نیامده
است با اینکه درین مدارس عمده شاگرد را در اطاقهای درس کمتر می

گیرند باز در پیشرفت تحصیلات از مقصد دور مانده اند نسبتی باید که در آن نسبت صورت و معنی هر دو محفوظ مانده و حق هر دو ادا شود که سستی بهر طرف افتد مضر است و نقض غرض از مدرسه جدید امروز دو نتیجه عمده خواسته میشود: - یکی بسط دامنه معلومات قوم؛ دیگر انتقال تجارب اسلاف به اخلاف. و معلومات گذشتگان به آیندگان

پیش از این علوم و آگاهی اختصاص بدسته از جماعت داشته ولی امروز سعی معارف تعمیم آن است در توده که دانستنی ها مخصوص يك گروه نماند.

در اعصار ماضیه علم و تجارب فنی هر چه بوده است اخلاف را سودی نبخشوده است دیر یا زود به انحطاط دوره معدودی صاحبان علم و فن از میان رفته است

يك سعی مدرسه امروز باید آن باشد که به توسعه دایره معارف و تربیت گروهی بعید الزوال حتی الامکان معارف از انقراض بواسطه حوادث عادی محفوظ ماند

تربیت مصری و هندی کجارت و چرا رفت؟ با دانشمندان به گور چون در دل جماعت ریشه نداشت

تربیت چینی صدها سال است که بر يك پایه متوقف مانده است چونکه روح نمو ندارد. تدریس حقیقی دور از عمل و آمیخته به موهومات، حفظ کلماتی طوطی وارو تمریناتی خالی از تصرف و بی جان، بار کردن این جمله بزور چوب استاد بر دوش ذهن شاگرد بیش از این نتیجه هم نمی بایست بدهد

بجای اینکه کتاب طبیعت را که حاوی حقیقت جمله علوم و فنون

است از تحریف و تصحیف افکار محدوده محفوظ بدارند و در اکتشاف آثار طبیعت بکوشند طبیعت را وسیله توسعه دامنه اوهام قرار دادند و از شاه راه راستی به دروغ رو آوردند

سالها موضوع بحث این بود مثلا که آیا چند فرشته یابری برکله يك سوزن توانند گنجید !؟

در قرون متوسطه این گونه تعطیلات فکری و توجهات به لاطایلات اروپا را نیز فرا گرفته بود.

در مائه پانزدهم و شانزدهم پویندکان راه معارف را تنبهی حاصل شد و از تصورات ذهنی قدری بد تفحصات حسی پرداختند و دانش پژوهان را به راههای تازه انداختند

در سنه ۱۴۲۵ و یکطور رامبلدینی مدرسه دور از مرکز ازدحام و بحبوحه اوهام ایجاد کرد و آن مدرسه در حقیقت اولین قدم و آخرین تدبیر است

(هردر) و (هومبالت) قشری را که رومیان بر روی مغز یونانی کشیده بودند بردیدند

چون مغز از پوست بیرون افتاد و خلق راه به معانی جستند از بذری که یونانیان کاسته بودند هرکس نمری برداشت و از پیوند آن اشجار-

است که امروز بازار معارف از میوه های آبدار پر است

اگر چه اقدام اولیه کودکانه بود صنعت سرعت سیر گرفت انصراف از لفاقه رومی به ملفوفات یونانی قدیمی رو به چشمه فیوض بود اما تا رو به چشمه واپس میرفتند

در مائه نوزدهم اهل دانش راه خویش را به جلگای یهن آور طبیعت هموار کردند و روی بجانب مسیل علوم و فنون آوردند از تنکنای

چشمه به فراخنای دریا پرداختند.

بجای آنکه از مؤثر پی به آثار بجویند آثار را معلوم کرده راه
بمؤثر برده قوت گرفتن حس قومیت و ملیت و برگشتن افکار از زمینه شخصیات
روی زمینه نوعیات رکن دیگر تربیت امروزی شد و مبرهن شد که
مدرسه را نظر بیشتر در آتیه باید تا در گذشته.

مدرسه باید از گذشته فرا گیرد و بکار آینده بزند ولو که پداگوگ-
ها مایل نباشند مدرسه اگر باید رکنی از ارکان زندگانی قوم باشد
ناگزیر است که با پیشرفت قوم یا بپا قدم بردارد و همواره آرزوهای
ملی را استقبال کند.

تفریط را ملامت کردیم افراط را نیز مذمت باید کرد.

مدرسه نباید بواسطه موهومات از پیروی مجریات باز ماند

مدرسه باید واماندگان را دست هدایت بدهد و تند پویان را

پای جسارت ببندد

بدیهی است که موضوعات تدریسیه دوره بدوره بل روز بروز

بر می افزاید و دامنه مکتسبات پهنای گیرد
در این کشاکش، اوضاع مدرسه آنگاه نتیجه خود را تواند بخشید که
به فراخور احوال آیندگان را هر روز تحفه تازه در سفره آمال بنهد
چه به سرمایه گذشتگان قانع نیستند.

وظایف خصوصی مدرسه

۱ - تربیت افکار اخلاف دوره جدید را اداره کند

مدرسه فقط برای آن نیست که دایره اطلاعات طلاب را توسعه بدهد

بلکه باید در استطاعت فکر (تصور و تصدیق) طلاب عامل مؤثر و قوی باشد

اخلاق بشر از ده نه قسمتش قابل انفعال و تأثیر نیست بیش از

این امیدواری راه در تاریکی جستن است.

طوایف فیوج هر چند علم اخلاقشان بیاموزند متاثر نمی شوند و خوی سرشتی خود را از دست نمیدهند.

اینجا تصور میرود که طوایف فیوج برای دیگر طوایف مثل بی مصداق است و اختلاف اقوال از همین گزیده امثال پیدا شده است همین طور که در نبات و حیوان انواع و اجناس است در بشر نیز تیره های مختلف قائل باید شد و باید دانست که هر تیره اخلاقی سرشتی دارد در قیاس افراد هر تیره را باید باهم سنجید و آنجا که سخن از زشت و زیبای اخلاق است دامنه بحث خیلی دراز است و جز در حدی سخت محدود خوب و بد ممتاز نیست بلکه نسبی است پس «بد مطلق نباشد در جهان. بدبه نسبت باشد این را هم بدان.»

خلاصه آنکه اگر اخلاق عشایر آلمانی در طوایف فیوج تاثیر مطلوب را نکرده است اسباب یاس نیست هر کدام را در حدود خود قابلیت است آنچه مدرسه در نفوس قوم تاثیر میکند بیشتر تعلیمات و آداب است نه اصلاح اخلاق. اخلاق به طبع در زمینه عادات و آداب نشو و نما میکند و به تقویت قوه تصور و تصدیق و توسعه میدان معلومات در اخلاق امید تاثیر هست

نوع بشر بمرور دهور از درکات حیوانی بدرجات انسانی رسیده است افراد باید در مدرسه همان مراحل را طی کنند نظر به کمیت مکتسبات داشتن غفلت از مقصود بمقصد است از کیفیت بیشتر استفاده میتوان کرد در مدرسه هر چه اندوخته شود بنیان بنای آتیه است بنا هر چه بشود بنیان را به فراخور آن انگاره باید گرفت

اینجا است که تاریخ اهمیت خود را به منصفه شهود می گذارد
مدرسه باید از حیثیت تاریخ سرمایه نیکو به طلاب بسیار که اطوار
اخلاف به دانستن تاریخ اسلاف تکمیل میشود معلم حقیقی بشر تاریخ است
اگر به اسلوب صحیح تدریس شود و دانستنی های آنرا تنقیح و خاطر نشان کنند
شبهه نیست که اوضاع هر دوره نتیجه دوره پیش است و این رشته
تا اخبار تاریخی در دست است در ادواری گردد

سابقا تدریس تاریخ در مدارس عالییه می شد صدوپنجاه سال پیشتر
نیست که این تخصیص برداشته شده است و تدریس تاریخ در مدارس
متوسطه نیز راه یافته است

اهمیتی که به تاریخ میدهیم نه از نظر شخصی و احوال افراد
است بلکه از تاریخ اسلوب ساختمان سیاسات ملل را میخواهیم تا قلابه های
سلسله تکامل بشر شناخته شود

سخن در ذکر احوال ملوک و ترجمه حال زور آزمایشان نیست ^{لله} نتیجه و
ارتباط حوادث تاریخی را در ادوار زندگی قوم میخواهیم از نظر دینی
اخلاقی، علمی، سیاسی، اقتصادی و اینکه عادات هر وقت اثر کدام پیش
آمد های اسبق بوده است. جامع علوم انسانی

تاریخ ملل آنگاه ثمر خودش را می بخشد که با تاریخ طبیعت
دست بدست پیش برود که هر کدام بی دیگری نقص خواهد بود
تاریخ فلسفه را شاید بشود به طبقه اختصاص داد
تاریخ باید در مدارس آندرجه را احراز کند که همه رشته های
علوم و فنون در صورت تاریخ تدریس شوند

مدرسه در تربیت افراد باید زمینه تکامل نوع را تدارک کند و آن
از راه تاریخ است